

عنوان: تعیین سطح خونی سرب در مصرف کنندگان تریاک خوراکی و بررسی ارتباط آن با بروز درد شکمی حاد در بیماران مراجعه کننده به بیمارستان بوعلی سینا قزوین در سال ۹۸-۹۷

استاد راهنما:

دکترسید مصطفی میراکبری

اساتید مشاور:

دکتر امیرمحمد کاظمی فر

دکتر مجید حاجی کریمی

دکتر زهره یزدی

نگارنده:

الهام قاسمی

تابستان ۱۳۹۸

شماره ثبت: 111158

چکیده:

مقدمه: سومصرف مواد مخدروعواقب آن به یک مشکل بزرگ جهانی تبدیل شده است. شایع ترین فرم استفاده در جوامع شرقی بخصوص ایران، اپیوم میباشد. سواستفاده اپیوم در ایران معضل جدی و مهمی است و این کشور با افغانستان (به عنوان بزرگترین تولید کننده مخدر جهان) مرز نزدیکی دارد. در ایران مخدر آلوده به سرب به طور واضح به عنوان منبع سرب شناخته نشده است ولی باید درتشخیص های افتراقی درد شکمی حاد در بیماران معتاد به اپیوم، مسمومیت با سرب در نظر گرفته شود. این مطالعه به منظورتعیین سطح خونی سرب در مصرف کنندگان تریاک خوراکی و بررسی ارتباط آن با بروز درد شکمی حاد در بیماران مراجعه کننده به بیمارستان بوعلی سینا قزوین در سال (۹۷-۹۸)انجام شده است.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مورد - شاهدهی میباشد که جمعیت مورد مطالعه 40 نفر از بیماران معتاد مراجعه کننده به بیمارستان بوعلی سینا قزوین میباشد که به صورت تصادفی انتخاب شدند. (20 مورد با درد شکمی مراجعه کرده اند و بقیه آنها درد شکمی نداشته اند). طی بستری 5 سی سی خون وریدی از هر کدام گرفته شد و سطح هموگلوبولین ودرصد رتیکولوسیت و سطح خونی سرب آنها و هم چنین بازوفیلیک استیپلینگ مورد اندازه گیری قرار گرفت. پس از ثبت آزمایشات و داده ها، اطلاعات بدست آمده در نرم افزارspss 25 تجزیه و تحلیل شدند. اطلاعات در پژوهش حاضر، مثل

سن و جنس از پرونده بستری بیماران بدست میاید. طول مدت مصرف و نوع مصرف از مصاحبه با خود بیماران ثبت میشود. اطلاعات آزمایشگاهی نیز از طریق نمونه خون گرفته شده از آنها ثبت میشود.

یافته ها: در بررسی این 40 مورد ابتدا شاهد یک ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری بین سطح خونی سرب و بروز درد شکمی بودیم. ($r=0.6$ و $p=0.000$) سپس مشاهده کردیم در دو گروه دارای درد شکمی و بدون درد شکمی هیچ ارتباطی بین سطح سرب و متغیرهایی چون مدت زمان مصرف ایپوم، سن، جنس، درصد رتیکولوسیت و بازوفیلیک استیپلینگ وجود ندارد. اما در گروه دارای درد شکمی سطح خونی سرب ارتباط معکوس و معناداری را از لحاظ آماری با سطح هموگلوبولین نشان میدهد. ($p=0.000$ و $r=-0.723$) به طوری که هنگام تقسیم افراد به دو گروه آنمیک و غیر آنمیک و بررسی ارتباط سطح سرب با بروز درد شکمی، شاهد ارتباطی مستقیم و معنادار در گروه آنمیک بودیم. در سوی دیگر، بالا بودن سطح سرب در گروه بدون درد شکمی نظیرمان را به خود جلب کرد و در صدد بررسی علت آن برآمدیم به طوری که به بررسی ارتباط سطح سرب با متغیرهای (سن، جنس، درصد رتیکولوسیت، هموگلوبولین، بازوفیلیک استیپلینگ و مدت زمان مصرف ایپوم) در افراد دارای سطح مسموم سرب در دو گروه دارای درد و بدون درد شکمی پرداختیم. این نتیجه حاصل شد که در گروه بدون درد شکمی تنها متغیر سطح هموگلوبولین با سطح سرب ارتباط معکوس و معناداری پیدا میکند. ($p=0.01$ و $r=-0.79$)

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این مطالعه به این نتیجه میرسیم که اولاً با افزایش سطح خونی سرب در افراد مصرف کننده ایپوم خوراکی احتمال بروز درد شکمی افزایش میابد. پس مسمومیت با سرب و سطح سرب، باید در معتادین مراجعه کننده با تظاهرات گوارشی غیراختصاصی در نظر گرفته شود. با وجود عدم ارتباط بین مدت زمان مصرف و درصد رتیکولوسیت با سطح سرب، مشاهده کردیم در گروه دارای درد شکمی مدت زمان مصرف ایپوم به نسبت گروه بدون درد شکمی طولانی تر بوده و درصد رتیکولوسیت آنها نیز بالاتر بوده است. با توجه به اینکه اولاً، در گروه آنمیک افزایش سطح سرب با افزایش بروز درد شکمی ارتباط دارد و ثانیاً در افراد با سطح سرب بالا و بدون درد شکمی، هموگلوبولین روی سطح سرب تاثیر معکوس دارد، پس بنابراین اینگونه گمان میرود که سطح هموگلوبولین و وجود آنمی، روی سطح سرب تاثیر میگذارد و باعث افزایش آن حتی در گروه بدون درد شکمی میشود. پس در نظر گرفتن سطح هموگلوبولین و درمان آنمی، در مصرف کنندگان ایپوم خوراکی میتواند در کنترل سطح سرب و بهبود علائم ناشی از آن موثر باشد. که استفاده از این مطلب در بالین میتواند کمک شایانی به درمان و پیگیری های این افراد بکند. و این مهم نیازمند مطالعات بیشتر در حجم نمونه های بیشتر میباشد.

واژه های کلیدی: ایپوم خوراکی، درد شکمی، سطح سرب، سطح هموگلوبولین، آنمی